



Stylistic Analysis of Verbal Processes in Iranian Legal Texts: Examining the Relationship Between Linguistic Choices and Law Enforceability Based on Halliday’s Systemic Functional Theory [In Persian]

Maryam Jalili ^{*1} , Mahmoud Mobaraki ² 

1 PhD Candidate in Linguistics, Faculty of Literature and Humanities, Alzahra University, Tehran, Iran

2 Assistant Professor of Linguistics, Faculty of Literature and Humanities, Jahrom University, Fars, Iran



*Corresponding author: maryam_jalili78@yahoo.com



Received: 10 Sep, 2025

Revised: 24 Nov, 2025

Accepted: 01 Dec, 2025

ABSTRACT

Legal stylistics, as one of the approaches in legal linguistics, can play an effective role in enhancing the quality of legal texts and facilitating the fair implementation of laws. This study aims to examine the relationship between verbal style and law enforceability by analyzing the types of processes present in Iranian legal texts and determining the impact of verbal choices on the clarity and executive power of laws. The research hypothesis posits that a high frequency of material and relational processes in legal texts indicates greater strength and enforceability of the law. To this end, four legal corpora (Commercial Law, Press Law, Child and Adolescent Law, and Civil-Criminal Provisions) were examined within the framework of Halliday and Matthiessen’s (2014) Systemic Functional Theory. The research corpus comprised 120 pages (30 pages from each corpus), from which six types of processes (material, mental, relational, behavioral, verbal, and existential) were extracted and their frequencies calculated through quantitative and qualitative content analysis. For a more objective evaluation, readability indices including average sentence length, technical vocabulary density, and the ratio of verbs to verbal phrases were measured. The results showed that material processes (36-41%) and relational processes (33-41%) had the highest frequency across all four corpora. Civil-Criminal laws with 270 processes and Child and Adolescent laws with 155 processes demonstrated the highest and lowest verbal density, respectively. The average sentence length in Civil-Criminal laws (28.4 words) was higher than in other laws. The ratio of verbal phrases to verbs in all texts was calculated at approximately 3:1, indicating high structural complexity. The high

frequency of verbal processes in Civil-Criminal laws (16%) compared to Child and Adolescent laws (4%) suggests that opportunities for defense and objection are greater in the former. Moreover, the predominance of mental and behavioral processes (21%) in Child and Adolescent laws indicates the more abstract nature of these laws, which may lead to ambiguity in interpretation and implementation. The findings demonstrate the necessity of revising the writing style of Child and Adolescent and Press laws, with emphasis on concretizing concepts through increasing material processes and reducing structural complexity.

Keywords: Legal Stylistics, Halliday's Systemic Functional Theory, Verbal Processes (Transitivity System), Law Enforceability, Iranian Legal Texts, Legal Clarity, Legal Discourse Analysis

تحلیل سبک‌شناختی فرایندهای فعلی در متون حقوقی ایران: بررسی رابطه میان گزینش‌های زبانی و قابلیت اجرایی قوانین براساس نظریه نقش‌گرایی هلیدی

مریم جلیلی^{۱*}، محمود مبارکی^۲

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران،

۲. استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه جهرم، فارس، ایران

*نویسنده مسئول مقاله Email: maryam_jalili78@yahoo.com

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۸۰

اصلاح: ۱۴۰۴/۰۹/۰۳

دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۸۹

چکیده

سبک‌شناسی حقوقی به‌مثابه یکی از گرایش‌های زبان‌شناسی حقوقی، می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای کیفیت متون قانونی و تسهیل اجرای عادلانه قوانین ایفا کند. این پژوهش با هدف بررسی رابطه میان سبک فعلی و قابلیت اجرایی قوانین، به تحلیل انواع فرایندهای موجود در متون حقوقی ایران و تعیین تأثیر گزینش‌های فعلی بر شفافیت و قدرت اجرایی قوانین می‌پردازد. فرضیه پژوهش این است که بسامد بالای فرایندهای مادی و رابطه‌ای در متون حقوقی، نشان‌دهنده قوت و قابلیت اجرای بهتر قانون است. در این راستا، چهار مجموعه قانونی (قوانین تجارت، مطبوعات، کودک و نوجوان، و احکام مدنی-کیفری) در چارچوب نظریه نقش‌گرایی هلیدی و متیسن (۲۰۱۴) مورد بررسی قرار گرفت. پیکره پژوهش شامل ۱۲۰ صفحه (۳۰ صفحه از هر مجموعه) بوده که از طریق تحلیل محتوای کمی و کیفی، انواع فرایندهای شش‌گانه (مادی، ذهنی، رابطه‌ای، رفتاری، کلامی و وجودی) استخراج و بسامد آن‌ها محاسبه شد. برای ارزیابی عینی‌تر، شاخص‌های خوانایی شامل میانگین طول جمله، تراکم واژگان تخصصی و نسبت افعال به عبارات فعلی اندازه‌گیری شد. نتایج نشان داد که فرایندهای مادی (۳۶-۴۱٪) و رابطه‌ای (۳۳-۴۱٪) بیشترین بسامد را در تمامی چهار مجموعه دارند. قوانین مدنی-کیفری با ۲۷۰ فرایند و قوانین کودک و نوجوان با ۱۵۵ فرایند به‌ترتیب بالاترین و پایین‌ترین تراکم فعلی را نشان دادند. میانگین طول جملات در قوانین مدنی-کیفری (۲۸/۴ کلمه) از سایر قوانین بیشتر بود. نسبت عبارات فعلی به افعال در همه متون حدود ۳:۱ محاسبه شد که نشان‌دهنده پیچیدگی ساختاری بالاست. بسامد بالای فرایندهای کلامی در قوانین مدنی-کیفری (۱۶٪) در مقابل قوانین کودک و نوجوان (۴٪) نشان می‌دهد که فرصت دفاع و اعتراض در قوانین اول بیشتر است. همچنین غلبه فرایندهای ذهنی و رفتاری (۲۱٪) در قوانین کودک و نوجوان، نشان از انتزاعی‌تر بودن این قوانین دارد که می‌تواند منجر به ابهام در تفسیر و اجرا شود. یافته‌ها ضرورت بازنگری در سبک

نگارش قوانین کودک و نوجوان و مطبوعات را با تأکید بر ملموس‌سازی مفاهیم از طریق افزایش فرایندهای مادی و کاهش پیچیدگی ساختاری نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: سبک‌شناسی حقوقی، نظریه نقش‌گرایی هلیدی، فرایندهای فعلی، قابلیت اجرایی قوانین، متون حقوقی ایران، شفافیت قانونی، تحلیل گفتمان حقوقی.

۱ مقدمه

بین زبان‌شناسی و حقوق رابطه تنگاتنگی وجود دارد که موجب ایجاد حوزه‌ای پژوهشی به نام زبان‌شناسی حقوقی شده است. یکی از گرایش‌های این حوزه، سبک‌شناسی حقوقی است که نیاز به آن در دادگاه‌ها کاملاً مشهود است. سبک‌شناسی می‌تواند به مشخصه‌های سبکی متون حقوقی از تمامی ژانرها بپردازد و ویژگی‌های آن‌ها را در سطوح واژگانی، فعلی، نحوی و گفتمانی و غیره ارائه دهد. سبک، شیوه خاص بیان مفاهیم است؛ یعنی نویسنده آنچه را می‌خواهد بگوید، چگونه بیان کند. از آنجایی که تحلیل واژگان و ساختار جمله‌ها، زمینه ورود به فضای تحلیل گفتمانی و شناختی سبک را فراهم می‌کند؛ می‌توان آن را به نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورها که مفاهیمی کلان هستند نیز ربط داد و این دقیقاً همان کاری است که در تحلیل گفتمان انجام می‌شود. یکی از ارکان مهم جمله، فعل است که محوری‌ترین نقش و بیشترین بار معنایی را دارد؛ به‌کارگیری نوع فعل موجب تمایز سبکی زیاد می‌شود و افقی جدید روبروی معنای گفتمانی باز می‌کند. افعال در دستور نقش‌گرا اهمیت بسیاری دارند، لذا نگارندگان معتقدند بررسی افعال از منظر نقش‌گرایی در متون حقوقی، افق شناخت را گستره می‌کند و معتقدند که سبک متون رابطه تنگاتنگی با نوع فعل دارد و اساساً سوال پژوهش بر این است که چه ارتباطی بین تنوع فعلی و نوع متون حقوقی وجود دارد؟ نگارندگان معتقدند که رابطه مستقیم و تنگاتنگی میان نوع فعل و نوع متن وجود دارد، برای مثال بکارگیری افعال مادی حاکی از اجرای صحیح قانون و استفاده کمتر از آنها حاکی از ضعف قانون مربوطه است.

در راستای بررسی فرضیه فوق، نگارندگان سعی دارند با بررسی متون حقوقی قوانین و مقررات از منظر نقش‌گرایی به سبک نوشتاری آن‌ها دست یابند. از آنجایی که تاکنون پژوهشی در ارتباط با نحوه ی بکارگیری و تحلیل افعال در قوانین حقوقی انجام نشده است، نگارندگان بدین منظور به بررسی افعال ۴ کتاب قوانین و مقررات (تجارت، مطبوعات، کودک و نوجوان و احکام مدنی و کیفری) از منظر هلیدی می‌پردازند و بر بررسی میزان گذرایی آن‌ها تأکید دارند؛ بنابراین ۳۰ صفحه از هر کتاب در مجموع ۱۲۰ صفحه به‌عنوان پیکره پژوهش در نظر گرفته‌اند. دیدگاه‌های متفاوتی در نقش‌گرایی وجود دارد که به طبقه‌بندی افعال از منظر گذرایی پرداخته‌اند از قبیل هاپر و تامسون، هلیدی و گیون و ... که چارچوب کار در این پژوهش نظریات هلیدی در سال ۲۰۱۴ در حوزه فرانقش اندیشگانی است. تمامی افعال پیکره پژوهش با توجه به نوع فرآیند موجود در آن‌ها بر اساس دیدگاه هلیدی (۲۰۱۴) استخراج شده و سپس به توصیف و تحلیل نوع فرایندهای متون حقوقی قوانین و مقررات پرداخته می‌شود. بسامد وقوع انواع افعال در پیکره موردنظر محاسبه شده است. در نهایت نگارندگان معتقدند مطالعه مشخصه‌های سبکی متون حقوقی از قبیل افعال امری لازم و ضروری است و همچنین لازم

است متخصصان حوزه حقوق با تجدیدنظر در برخی جنبه‌های سبکی این زبان، کیفیت آن را ارتقا داده و زبان ساده حقوقی که امروزه در دنیا بسیار مطرح است را در ایران گسترش دهند.

۱-۱ پیشنهاد پژوهش

آفاگل‌زاده (۱۳۹۱: ۲۶۷) معتقد است سبک اعم از گفتاری و نوشتاری که در زیرمجموعه همبستگی متغیرهای زبانی و غیرزبانی آمده است، یکی از موضوعات جدی زبان‌شناسی حقوقی است. وی می‌گوید سبک فردی هر شخص خواه گفتاری و خواه نوشتاری باشد، تقریباً مختص ویژه آن فرد است. وی سبک سخن گفتن و تا حدودی سبک نوشتن هر شخص را مانند اثرانگشت مختص هر شخص می‌داند، لذا سبک می‌تواند بیانگر هویت فردی و در بین جامعه زبانی خود نشانگر هویت جمعی‌اش باشد. وی همچنین (۱۳۹۴) معتقد است برخی ویژگی‌های زبانی در درک و فهم زبان مشکل‌ساز هستند و وجود آن‌ها در زبان حقوقی باعث عدم درک متقابل حقوقدانان و غیر حقوقدانان شده است. وی ویژگی‌هایی زیر را مطرح می‌کند:

۱. واژه‌های دشوار
 ۲. فهرست واژه‌های چندتایی/ ترکیبی و ساده
 ۳. نام‌گردانی
 ۴. حذف پرسش‌واژه
 ۵. منفی‌ساز دوگانه
 ۶. ساختار مجهول در بند پیرو
 ۷. لانه‌گیری جمله‌ها (وجود جملات درونه‌ای)
 ۸. ساختار گفتمانی ضعیف (۱۳۹۴: ۱۰۳-۱۰۴).
- وحیدیان کامیار (۱۳۹۰: ۴۰-۳۹) افعال فارسی را به سه گروه دسته‌بندی می‌کند: افعال لحظه‌ای، افعال تداومی و افعال لحظه‌ای تداومی
۱. افعال لحظه‌ای: این دسته از افعال به افعالی اطلاق می‌شود که عملشان در یک لحظه رخ می‌دهد و ادامه یا جریان پیدا نمی‌کند. مثل افتادن، شکستن، مردن و ...
 ۲. افعال تداومی: این دسته از افعال به افعالی اطلاق می‌شود که عمل آن‌ها تداوم داشته باشد. مثل خوردن، بافتن، ساختن، نوشتن و ...
 ۳. افعال لحظه‌ای-تداومی: این دسته از افعال به افعالی اطلاق می‌شود که عملشان در یک لحظه اتفاق می‌افتد اما ادامه پیدا می‌کند. مثل خوابیدن، ایستادن، نشستن، ماندن و هم‌معنی‌های آن‌ها.
- وحیدیان کامیار راهکاری برای تشخیص افعال تداومی از افعال غیر تداومی (لحظه‌ای و لحظه‌ای-تداومی) پیشنهاد می‌کند به این صورت که مضارع مستمر یا ماضی مستمر آن‌ها را در نظر بگیریم:
- الف: تداومی: دارد می‌رود: فعل وقوع یافته و تداوم دارد.

ب: لحظه‌ای: دارد می‌افتد: لحظه پیش از وقوع را می‌رساند یعنی هنوز عمل افتادن صورت نگرفته است.

ج: لحظه‌ای - تداومی: دارد می‌خواهد: لحظه پیش از وقوع را می‌رساند یعنی هنوز عمل خوابیدن صورت نگرفته است.

وی همچنین راهکاری برای تشخیص افعال لحظه‌ای - تداومی از افعال تداومی و لحظه‌ای پیشنهاد می‌کند به این صورت که ماضی نقلی آن‌ها را در نظر بگیریم:

الف: لحظه‌ای - تداومی: علی خوابیده است: عمل در گذشته صورت گرفته و ادامه دارد.

ب: تداومی: علی رفته است: عمل در گذشته صورت گرفته و ادامه ندارد.

ج: لحظه‌ای: علی مرده است: عمل در گذشته صورت گرفته و ادامه ندارد.

چراغی و کریمی دوستان (۱۳۹۲) بر اساس رویکرد لوین (۲۰۰۵) و نظریه کرافت (۲۰۱۲) به طبقه‌بندی افعال زبان فارسی از منظر ساخت نمودی پرداخته‌اند. لوین معتقد است ساخت نمودی و ساخت رویدادی اولین عامل معنایی تعیین‌کننده در بازنمایی موضوع هستند. پیکره پژوهش ۶۰ فعل فارسی است که به ۴ طبقه اصلی و ۱۰ طبقه فرعی تقسیم شدند. ۴ طبقه اصلی افعال عبارتند از ۱. ایستا ۲. حصولی ۳. فعالیتی ۴. غایتمند.

ده طبقه فرعی را نیز در جدول زیر به دست داده است.

۱. ایستای گذرا: معتقد بودن، باز بودن، بسته بودن، خوشحال بودن، ناراحت بودن، عصبانی بودن.

۲. ایستای پایدار اکتسابی: دانستن، داشتن، دوست داشتن، شکسته بودن، سوخته بودن، فرسوده بودن.

۳. ایستای پایدار ذاتی: مرطوب بودن، شکستی بودن، ایرانی بودن.

۴. حصولی بازگشتی: باز شدن، خوشحال شدن، متأسف شدن، بسته شدن، گشوده شدن.

۵. حصولی غیر بازگشتی: رسیدن، برداشتن، مردن، صلح کردن، تصادف کردن، گذاشتن، شکسته، پژمرده شدن، عصبانی شدن، دیدن.

۶. حصولی چرخشی: جیغ زدن، تق تق کردن، چراغ زدن.

۷. فعالیتی مستقیم: کاسته شدن، اضافه شدن، خنک شدن، گرم شدن، یخ کردن.

۸. فعالیتی غیر مستقیم: نواختن، گفتگو کردن، جنگیدن، هل دادن، کشیدن، گریستن، آواز خواندن، رقصیدن، رانندگی کردن، مشورت کردن.

۹. غایتمند مستقیم: یافتن، ساختن، خریدن، خوردن، پختن، تماس گرفتن، فرستادن، نوشتن.

۱۰. غایتمند غیر مستقیم: تعمیر کردن، جستجو کردن

فرازنده پور (۱۳۹۲) معتقد است درک زبان حقوقی دشوار است و باید به دنبال گسترش زبان ساده حقوقی بود. زبان ساده حقوقی به معنای نوشتن به نحوی است که هم برای حقوقدانان و هم برای غیر حقوقدانان قابل فهم باشد. زبان حقوقی رایج در ایران نیز که ریشه در فقه اسلامی دارد، بسیار دشوار است و موجب نوعی خلأ ارتباطی میان غیر حقوقدانان شده است. وی سعی دارد با تحلیل

مشخصه‌های سبکی متون حقوقی، اصولی را برای گسترش زبان ساده حقوقی ارائه دهد. ایشان نشان می‌دهد که گرچه از لحاظ زبان‌شناختی، دشواری‌های زبان حقوقی ناشی از ساخت پیچیده و ویژگی‌های سبکی آن است اما بخش عمده آن مربوط به واژگان و اصطلاحاتی است که ریشه عربی دارند و به‌طور کلی با تجدیدنظر در آن‌ها و رعایت اصول ساده‌نویسی می‌توان متون حقوقی را به زبان ساده و قابل درک برای عموم ارائه داد. وی به‌صورت تحلیلی - توصیفی به بررسی مشخصه‌های سبکی ده وکالت‌نامه و ده دادنامه کیفری و حقوقی در سطوح واژگانی، نحوی و گفتمانی می‌پردازد و سپس با ویرایش بلاغی آن‌ها، اصولی برای ساده‌نویسی این متون ارائه می‌دهد تا به گسترش زبان ساده حقوقی و قابل فهم بودن آن برای غیر حقوقدانان شود.

فرازنده پور مهم‌ترین مشخصه‌های سبکی متون حقوقی در سطح واژگانی را عوامل زیر می‌داند:

۱. استفاده فراوان از واژه‌های عربی مثل اعسار، استنکاف، ماترک، احصائیه، ادله متقن و ...
۲. به‌کارگیری اصطلاحات تخصصی حقوقی مثل تهاثر قهری، ارتفاق، خلع ید، اسقاط حق، اماره، حارصه، قسامه، مبارات و ...
۳. وجود کلمات متشابه و هم‌آوا در زبان عادی و حقوقی مثل «عده»، «خیار» و «قرار» و ...
۴. ترکیب‌های دوتایی بسته (هم‌آیند) مثل خواهان و خواننده، شاکی و متهم، مقرض و مقترض، موجر و مستاجر و ...

مهم‌ترین مشخصه‌های سبکی متون حقوقی در سطح نحوی عبارتند از:

۱. جملات خبری
۲. طولانی نویسی و جملات پیچیده
۳. عبارات حرف اضافه‌ای و نامعمول عربی
۴. افعال مجهول
۵. قید زمان و قید مکان

فرازنده پور بعد از به تصویر کشیدن مشخصات سبکی متون حقوقی در سطح واژگانی و نحوی، در جهت گسترش زبان ساده حقوقی در ایران، برخی از اصول ساده‌نویسی متون حقوقی را ارائه می‌دهد:

- توجه به سطح دانش فنی مخاطب متن و سند حقوقی
- پرهیز از طولانی نویسی (رعایت پاراگراف‌بندی، استفاده از جملات کوتاه و رعایت اصول نشانه‌گذاری در متن)
- استفاده از ساخت معلوم به‌جای مجهول
- استفاده از ضمایر شخصی (در صورت امکان)
- رعایت توالی منطقی در ارائه اطلاعات
- پرهیز از تکرار و حشو
- پرهیز از جملات منفی
- پرهیز از به‌کارگیری واژه‌های عربی

- ارائه تعریف مناسب برای واژه‌های فنی و تخصصی به‌نحوی که برای غیر حقوقدانان قابل‌درک باشد

- استفاده از افعال کنشی به‌جای عبارات فعلی: مانند «اجرا کردن» به‌جای «به‌مورد اجرا گذاردن» / «تعقیب کردن» به‌جای «مورد تعقیب قرار دادن» / «حاضر شدن» به‌جای «حضور به‌هم رسانیدن» / «اقدام کردن» به‌جای «اقدام مقتضی به‌عمل آوردن».

فرازنده پور نیز (۱۳۹۲: ۱۲۶) معتقد است مطالعه مشخصه‌های سبکی متون حقوقی امری لازم و ضروری است و همچنین لازم می‌داند متخصصان حوزه حقوق با تجدیدنظر در برخی جنبه‌های سبکی این زبان، کیفیت آن را ارتقا داده و زبان ساده حقوقی که امروزه در دنیا بسیار مطرح است را در ایران گسترش دهند.

۲ مدل گذرایی هلیدی

هلیدی و متیسن (۲۰۱۴) در فصل پنج کتاب خود به گذرایی از بعد نقشی می‌پردازند. آن‌ها چند فاکتور را در این مفهوم مهم می‌دانند. از نظر آن‌ها نوع فرآیند، تعداد مشارکان و افزوده‌های حاشیه‌ای تعیین‌کننده‌ی گذرایی یک متن هستند؛ یعنی برای تعیین کردن گذرایی یک متن بایستی تعداد مشارکان و افزوده‌های حاشیه‌ای و همچنین فرآیندهای موجود تعیین شود تا به گذرایی متن موردنظر برسیم. مدل معرفی شده هلیدی و متیسن همان فرانش اندیشگانی است که یکی از سه نوع فرانش تشکیل‌دهنده‌ی بافت موقعیتی است. مقدار زیادی از تجربه‌ی روزانه‌ی ما به‌وسیله اعمال، رویدادها، تفکرات و تصورات ما شکل می‌گیرند و تعریف می‌شوند و نظام زبان این نقش مهم را بر عهده دارد که اعمال و اقدامات گوناگون جهان را منعکس کند، بدین معنی که زبان قابلیت بازنمایی اعمال، گفتار و تفکرات ما را دارد. هلیدی در دستور نقش‌گرای نظام‌مند، این نقش زبان را به فرانش اندیشگانی و در ذیل آن به فرانش تجربی محول می‌کند. امکان و قابلیت دستوری برای بازنمایی تجربه در زبان، نظام گذرایی نامیده می‌شود. منظور از گذرایی، در اینجا، مفهومی نیست که در دستورهای سنتی به‌کار رفته است. گذرایی برخلاف دیدگاه سنتی مؤلفه‌های زیادی دارد که تنها یکی از آن‌ها «حضور مفعول در بند» است.

در ادامه به معرفی سه مؤلفه تشکیل‌دهنده گذرایی می‌پردازیم:

۱. مشارکان: مشارکان توسط گروه‌های اسمی بازنمایی می‌شوند و افرادی هستند که به‌طور مستقیم در فرایند حضور دارند. اینکه چه کسی کنش را انجام می‌دهد و چه کسی کنش پذیر است.
۲. افزوده‌های حاشیه‌ای: توسط گروه قیدی یا حرف‌افزای نشان داده می‌شوند. این عناصر نشان‌دهنده‌ی زمان، مکان، دلیل، شیوه و ... وقوع فرایند هستند و به‌طور مستقیم در فرایند درگیر نیستند؛ بلکه اطلاعاتی را در مورد آن‌ها می‌دهند. جنبه‌ی حاشیه‌ای دارند و جزئیات بیشتری راجع به رخداد به ما می‌دهند. این نوع افزوده‌ها عموماً و به‌راحتی در تمام انواع فرایندها به‌کار می‌روند.
۳. فرایندهای اصلی و فرعی: توسط گروه‌های فعلی نشان داده می‌شوند.

فرآیند عبارت است از یک رخداد، کنش، گفتار یا بودونبود که به ۶ نوع تقسیم می‌شوند. ۳ نوع فرآیند اصلی و ۳ نوع فرآیند فرعی

۲-۱ فرایندهای اصلی

۱. فرایندهای مادی: این فرایندها اعمال فیزیکی هستند که بر انجام کاری یا رخداد واقعه‌ای دلالت دارند. افعالی همانند اتفاق افتادن، ساختن، خلق کردن، نوشتن، رنگ کردن، باز کردن، رفتن و... در فرایندهای مادی به کار می‌روند (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۱۷۹-۱۹۰).

۲. فرایندهای ذهنی: این فرایندها به تجربه ما از جهان خودآگاهی خودمان مربوط هستند، درحالی‌که فرایندهای مادی به تجربه ما از دنیای بیرون مربوط می‌باشند (همان: ۱۹۷). فرایندهای ذهنی شامل ادراک، شناخت و واکنش‌های ذهنی می‌شوند. فرایندهای ذهنی با افعالی همانند درک کردن، فکر کردن، خواستن، تصمیم گرفتن، دوست داشتن، ترسیدن و... همراه هستند (همان: ۲۱۰).

۳. فرایندهای رابطه‌ای: فرایندهایی هستند که به توصیف یا شناسایی مربوط می‌شوند. رابطه بین دو چیز یا پدیده با یکدیگر در قالب فرآیند رابطه‌ای، با استفاده از افعال ربطی و معمولاً با فعل بودن بیان می‌شود. فرایندهای رابطه‌ای با افعال ربطی همانند بودن، شدن، به‌نظررسیدن، تبدیل شدن و... بیان می‌شوند (همان: ۲۱۰-۲۸۸).

۲-۲ فرایندهای فرعی

فرایندهای رفتاری، کلامی و وجودی را فرایندهای فرعی می‌گوییم چراکه در مرز فرایندهای اصلی قرار می‌گیرند.

۱. فرایندهای رفتاری: این نوع فرایندها بین فرایندهای مادی و ذهنی قرار دارند. این گروه از فرایندها، به رفتارهای جسمانی و روان‌شناختی انسان مربوط می‌شوند (همان: ۲۴۸). افعالی همانند نگاه کردن، گریه کردن، لبخند زدن، نفس کشیدن، آواز خواندن، نشستن و... در بندهای فرآیند رفتاری به کار می‌روند.

۲. فرایندهای کلامی: این نوع فرایندها به‌طورکلی شامل فرایندهایی از نوع گفتن می‌شوند. فرایندهای کلامی بین فرایندهای ذهنی و رابطه‌ای قرار دارند. فرایندهای کلامی با افعالی همانند صحبت کردن، گزارش دادن، پرسیدن، دستور دادن و... بیان می‌شوند (همان: ۲۵۲-۲۵۶).

۳. فرایندهای وجودی: این فرایندها، وجود داشتن یا اتفاق افتادن چیزی را بیان می‌کنند (همان: ۲۵۶). این فرایندها بین فرایندهای مادی و رابطه‌ای قرار دارند. فرایندهای وجودی با افعالی همانند وجود داشتن، ظاهر شدن، آویزان بودن، باقی ماندن و... همراه هستند.

۳ تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این قسمت به ذکر نمونه‌هایی از متون حقوقی در مجموعه قوانین و مقررات ۴ نوع ((تجارت، مطبوعات، کودک و نوجوان و احکام مدنی و کیفری)) می‌پردازیم و سپس بر اساس ۶ نوع فرایند معرفی شده هلیدی به استخراج این نوع از فرایندها پرداخته می‌شود.

۱-۳ قوانین و مقررات اجرای احکام مدنی - کیفری

ماده ۱: هیچ حکمی از احکام دادگاه‌های دادگستری به موقع اجرا گذارده نمی‌شود (مادی) مگر این که قطعی شده (رابطه‌ای) یا قرار اجرای موقت آن در مواردی که قانون معین می‌کند (مادی)، صادر شده باشد (مادی).

ماده ۱۰: اگر محکوم‌علیه قبل از ابلاغ اجرائیه محجور یا فوت شود (مادی): اجرائیه حسب مورد به ولی، قیم، امین، ورثه یا مدیر ترکیه‌ی او ابلاغ می‌گردد (کلامی) و هرگاه حجر یا فوت محکوم‌علیه بعد از ابلاغ اجرائیه باشد (رابطه‌ای)، مفاد اجرائیه و عملیات انجام شده، به وسیله‌ی ابلاغ اخطاریه به آن‌ها اطلاع داده خواهد شد (کلامی).

ماده ۱۶: هرگاه نسبت به دادورز (مأمور اجرا) حین انجام وظیفه توهین (کلامی) یا مقاومت شود (مادی) مأمور مزبور صورت مجلسی تنظیم نموده (مادی)، به امضای شهود و مأمورین انتظامی (در صورتی که حضور داشته باشند) (رابطه‌ای) می‌رساند (مادی). این صورت مجلس توسط مدیر اجرا به دادسرای شهرستان فرستاده خواهد شد (مادی).

ماده ۴۰: محکوم‌له و محکوم‌علیه می‌توانند برای اجرای حکم، قراری گذارده (مادی) و مراتب را به قسمت اجرا اعلام دارند (کلامی).

ماده ۴۹: در صورتی که محکوم‌علیه در موعده‌ی که برای اجرای حکم مقرر است (رابطه‌ای) مدلول حکم را طوعاً اجرا ننماید (مادی) یا قراری با محکوم‌له برای اجرای حکم ندهد (مادی) و مالی هم معرفی نکند (کلامی) یا مالی از او تأمین و توقیف نشده باشد (مادی)، محکوم‌له می‌تواند درخواست کند (کلامی) که از اموال محکوم‌علیه معادل محکوم‌به توقیف گردد (مادی).

ماده ۵۸: در صورتی که محکوم‌علیه، محکوم‌به و خسارات قانونی را تأدیه نماید (کلامی)، قسمت اجرا از مال توقیف شده رفع توقیف خواهد کرد (مادی).

ماده ۶۹: هرگاه اشخاص ثالث نسبت به اموالی که توقیف می‌شود (مادی) اظهار حقی نمایند (کلامی)، دادورز (مأمور اجرا) مشخصات اظهارکننده و خلاصه‌ی اظهارات او را قید می‌کند (کلامی).

ماده ۸۶: هرگاه حافظ نخواهد یا نتواند اموال توقیف شده را نگاهداری کند (مادی) و یا اوضاع و احوال تغییر او را ایجاب نماید (مادی)، دادورز (مأمور اجرا) پس از تصویب دادگاه حافظ دیگری معین خواهد کرد (مادی).

ماده ۹۵: شخص ثالثی که مال محکوم‌علیه نزد او توقیف شده (مادی) می‌تواند مال مزبور را هر وقت بخواهد به قسمت اجرا تسلیم کند (رفتاری) و قسمت اجرا باید آن را قبول نماید (رفتاری).

ماده ۱۰۲: در صورتی که عواید یک‌ساله‌ی مال غیر منقول به تشخیص دادگاه برای ادای محکوم‌به و هزینه‌ی اجرایی کافی باشد (رابطه‌ای) و محکوم‌علیه حاضر شود (رابطه‌ای) که از عواید آن ملک، محکوم‌به داده شود (مادی) عین ملک توقیف نمی‌شود (مادی) و فقط عواید توقیف و محکوم‌به از آن وصول می‌گردد (مادی). در این صورت قسمت اجرا مکلف است (رابطه‌ای) مراتب را به ثبت محل اعلام نماید (کلامی).

۲-۳ قوانین و مقررات تجارت

ماده ۱: تاجر کسی است (رابطه‌ای) که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد (رابطه‌ای).

ماده ۵: کلیه معاملات تاجر تجارتمحسوب است (رابطه‌ای) مگر اینکه ثابت شود (رابطه‌ای) معامله مربوط به امور تجاری نیست (رابطه‌ای).

ماده ۱۰-تبصره: تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت‌حساب‌های وارده را نیز به ترتیب تاریخ ورود مرتب نموده (مادی) و در لفاف مخصوصی ضبط کند (مادی).

ماده ۱۹: کسبه جز مذکور در این فصل و فصل اول مطابق مقررات نظام‌نامه وزارت عدلیه تشخیص می‌شوند (ذهنی).

باب سوم:

ماده ۵-۷: تعداد سهام بانام و بی‌نام و مبلغ اسمی آن‌ها و در صورتی که سهام ممتاز نیز موردنظر باشد (ذهنی)، تعیین تعداد و خصوصیات امتیازات این‌گونه سهام.

ماده ۱۲: ظرف مهلتی که در اعلامیه پذیرهنویسی معین شده است (مادی)، علاقه‌مندان به بانک مراجعه (مادی) و ورقه تعهد سهام را امضا (مادی) و مبلغی را که تقدماً باید پرداخت شود (مادی) تأدیبه (مادی) و رسید دریافت خواهند کرد (مادی).

ماده ۱۶: پس از گذشت مهلتی که برای پذیرهنویسی معین شده است (رابطه‌ای) و یا در صورتی که مدت تمدید شده باشد (رابطه‌ای) بعد از انقضای مدت تمدیدشده، مؤسسين حداکثر تا یک ماه به تعهدات پذیره نویسان رسیدگی (مادی) و پس از احراز این که تمام سرمایه شرکت صحیحاً تعهد گردیده (مادی) و اقالاً سی و پنج درصد آن پرداخت شده است (مادی)، تعداد سهام هر یک از تعهد کنندگان را تعیین (مادی) و اعلام (کلامی) و مجمع عمومی مؤسسين را دعوت خواهد کرد (کلامی).

ماده ۲۳: مؤسسين شرکت نسبت به کلیه اعمال و اقداماتی که به‌منظور تأسیس و به ثبت رسانیدن شرکت انجام می‌دهند (مادی)، مسئولیت تضامنی دارند (رابطه‌ای).

ماده ۳۰: مادام که تمامی مبلغ اسمی هر سهم پرداخت نشده (مادی)، صدور ورقه سهم بی‌نام یا گواهی‌نامه موقت بی‌نام ممنوع است (رابطه‌ای). به تعهد کنندگان این‌گونه سهام گواهی‌نامه موقت با نام داده خواهد شد (مادی) که نقل و انتقال آن تابع مقررات مربوط به نقل و انتقال سهام با نام است (رابطه‌ای).

ماده ۳۹: سهم بی‌نام به‌صورت سند در وجه حامل تنظیم و ملک دارنده آن شناخته می‌شود (ذهنی)؛ مگر خلاف آن ثابت گردد (رابطه‌ای). نقل و انتقال این‌گونه سهام به قبض و اقباض به عمل می‌آید (مادی).

ماده ۴۶: از حاصل فروش سهامی که بر طبق ماده (۴۵) فروخته می‌شود (مادی)، بدواً هزینه‌های مترتبه از قبیل هزینه آگهی حراج یا حق‌الزحمه کارگزار بورس کسر (مادی) و مازاد آن توسط شرکت در حساب بانکی بهره‌دار سپرده می‌شود (مادی). در صورتی که ظرف ده سال از تاریخ فروش، سهام باطل شده به شرکت مسترد شود (مادی). مبلغ سپرده و بهره مربوطه به دستور شرکت از طرف بانک به مالک سهم پرداخت می‌شود (مادی). پس از انقضای ده سال، باقی‌مانده وجوه در حکم مال بلا صاحب بوده (رابطه‌ای) و باید از طرف بانک و با اطلاع دادستان شهرستان به خزانه دولت منتقل گردد (مادی).

ماده ۵۲: ورقه قرضه، ورقه قابل معامله‌ای است (رابطه‌ای) که معرف مبلغی وام است (رابطه‌ای) با بهره معین که تمامی آن یا اجزا آن در موعد یا مواعد معینی باید مسترد گردد (مادی). برای ورقه قرضه ممکن است (رابطه‌ای) علاوه بر بهره حقوق دیگری نیز شناخته شود (ذهنی).

۳-۳ قوانین و مقررات مطبوعات

ماده ۱: مطبوعات در این قانون عبارتند (رابطه‌ای) از نشریاتی که به‌طور منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف در زمینه‌های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر این‌ها منتشر می‌شوند (مادی).

ماده ۴: هیچ مقام دولتی و غیردولتی حق ندارد (رابطه‌ای) برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای درصدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید (رابطه‌ای) و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند (مادی).

ماده ۹-ب- تبصره ۷: مسؤلیت مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر می‌شود (مادی) به عهده مدیرمسئول است (رابطه‌ای) ولی این مسؤلیت، نافی مسؤلیت نویسنده و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند (رابطه‌ای) نخواهد بود (رابطه‌ای).

ماده ۱۴: در صورتی که مدیرمسئول، شرایط مندرج در ماده ۹ را فاقد گردد (مادی)، یا فوت شود (مادی) و یا استعفا دهد (کلامی)، صاحب‌امتیاز موظف است (مادی) حداکثر ظرف ۳ ماه، شخص دیگری را که واجد شرایط باشد (رابطه‌ای) به وزارت ارشاد اسلامی معرفی کند (مادی) در غیر این صورت از انتشار نشریه او جلوگیری می‌شود (مادی) تا زمانی که صلاحیت مدیر به تأیید نرسیده است (رابطه‌ای)، مسؤلیت‌های مدیر به عهده صاحب‌امتیاز است (رابطه‌ای).

ماده ۲۰: هر روزنامه یا مجله باید دفاتر محاسباتی پلمپ شده بر طبق قانون تهیه (مادی) و کلیه مخارج و درآمد خود را در آن ثبت کند (مادی) و بیلان سالانه درآمد و مخارج را به وزارت ارشاد اسلامی بفرستد (مادی)، وزارت ارشاد اسلامی هر وقت لازم بداند (رابطه‌ای)، دفاتر مالی مؤسسات را بازرسی می‌نماید (مادی).

ماده ۲۳- تبصره ۳: در صورتی که نشریه از درج پاسخ امتناع ورزد (مادی) یا پاسخ را منتشر نسازد (مادی)، شاکی می‌تواند به دادگستری شکایت کند (کلامی) و رئیس دادگستری در صورت احراز صحت شکایت جهت نشر پاسخ به نشریه اخطار می‌کند (کلامی) و هرگاه این اخطار مؤثر واقع نشود (رابطه‌ای)، پرونده را پس از دستور توقیف موقت نشریه که مدت آن حداکثر از ده روز تجاوز نخواهد کرد (رابطه‌ای) به دادگاه ارسال می‌کند (مادی).

ماده ۲۶: هرکس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند (کلامی)، در صورتی که به ارتداد منجر شود (مادی) حکم ارتداد در حق وی صادر (مادی) و اجرا (مادی) و اگر به ارتداد نیانجامد (مادی) طبق نظر حاکم شرع بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد (رفتاری).

ماده ۲۸: انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی ممنوع (رابطه‌ای) و موجب تعزیر شرعی است (رابطه‌ای) و اصرار بر آن موجب تشدید تعزیر (رابطه‌ای) و لغو پروانه خواهد بود (رابطه‌ای).

ماده ۳۱: انتشار مطالبی که مشتمل بر تهدید به هتک شرف و یا حیثیت و یا افشای اسرار شخصی باشد (رابطه‌ای) ممنوع است (رابطه‌ای) و مدیر مسئول به محاکم قضائی معرفی (مادی) و با وی طبق قانون تعزیرات رفتار خواهد شد (رفتاری).

۳-۴ قوانین و مقررات کودکان و نوجوانان

ماده ۱: ازنظر کنوانسیون حاضر منظور از کودک افراد انسانی زیر سن ۱۸ سال است (رابطه‌ای) مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود (ذهنی).

ماده ۶-۱: کشورهای طرف کنوانسیون حق ذاتی هر کودک را برای زندگی به رسمیت خواهند شناخت (ذهنی).

ماده ۱۲-۱: کشورهای طرف کنوانسیون تضمین خواهند کرد (مادی) کودکی که قادر به شکل دادن به عقاید خود می‌باشد (رابطه‌ای) بتواند این عقاید را آزادانه درباره تمام موضوعاتی که مربوط به وی می‌شود (رابطه‌ای) ابراز کند (کلامی)، به نظرات کودک مطابق با سن و بلوغ وی بها داده می‌شود (مادی).

ماده ۲۰-۱: کودک نباید به‌طور موقت یا دائم از محیط خانواده و از منافع خویش محروم باشد (رابطه‌ای) و باید از طرف دولت تحت مراقبت و مورد مساعدت قرار گیرد (مادی).

ماده ۲۲-۲: بدین منظور، کشورهای طرف کنوانسیون بنا به صلاحدید خود با سازمان ملل و سایر سازمان‌های بین‌المللی یا غیردولتی ذیصلاح که با سازمان ملل کار می‌کنند (مادی) در جهت حمایت و مساعدت از این‌گونه کودکان و ردیابی والدین یا سایر اعضای خانواده کودکان پناهنده و برای کسب اطلاعات لازم برای به هم پیوستن مجدد اعضای خانواده همکاری خواهند کرد (مادی). در صورتی که موفق به یافتن والدین یا سایر اعضای خانواده نشوند (رابطه‌ای)، با کودک همان‌گونه که در این

کنوانسیون اظهارشده (کلامی) درست مانند کودکی که به‌طور موقت یا دائم از محیط خانوادگی به هر دلیل محروم شده (رابطه‌ای)، رفتار خواهد شد (رابطه‌ای).

ماده ۲۸: کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک را نسبت به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند (ذهنی) و برای دستیابی تدریجی به این حق و بر اساس ایجاد فرصت‌های مساوی، اقدامات ذیل را معمول خواهند داشت (رابطه‌ای):

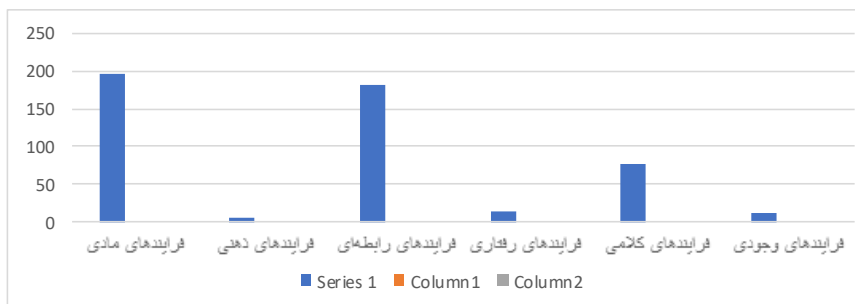
ماده ۳۸-۱: کشورهای طرف کنوانسیون متقبل می‌شوند (مادی) به مقررات قانون بین‌المللی بشردوستی در زمان جنگ‌های مسلحانه که مربوط به کودکان می‌شود (رابطه‌ای) احترام بگذارند (رفتاری).

ماده ۴۰: کشورهای عضو در مورد کودکان متهم یا مجرم به نقض قانون کیفری این حق را به رسمیت می‌شناسند (ذهنی)، با آنان مطابق با شئون و ارزش کودک رفتار گردد (رفتاری) که این امر موجب افزایش احترام کودک نسبت به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی دیگران شده (رابطه‌ای) و سن کودک را در نظر گرفته (ذهنی) و باعث افزایش خواست وی برای سازش وی با جامعه و به عهده گرفتن نقشی سازنده می‌گردد (رابطه‌ای).

ماده ۴۳-۲: کمیته شامل ده کارشناس با موقعیت عالی از نظر اخلاقی و با صلاحیت در زمینه‌هایی که در این کنوانسیون ذکر شده (کلامی)، خواهد بود (رابطه‌ای). اعضای کمیته توسط کشورهای عضو از میان اتباع خود انتخاب می‌شوند (مادی) و در سمت شخصی خودشان خدمت خواهند کرد (مادی) در این زمینه به پراکندگی جغرافیایی برابر و نیز سیستم‌های حقوقی عمده توجه خاص خواهد شد (ذهنی).

جدول شماره ۱: بسامد فرایندها در مجموعه قوانین و مقررات اجرای احکام مدنی-کیفری

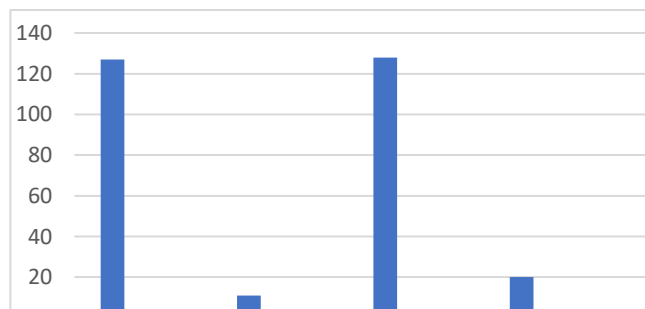
انواع فرایندها	تعداد: ۴۸۴	درصد
۱. فرایندهای مادی	۱۹۶	۴۰٪
۲. فرایندهای ذهنی	۶	۱٪
۳. فرایندهای رابطه‌ای	۱۸۱	۳۷٪
۴. فرایندهای رفتاری	۱۳	۳٪
۵. فرایندهای کلامی	۷۶	۱۶٪
۶. فرایندهای وجودی	۱۲	۲٪



نمودار شماره ۱: بسامد فرایندها در مجموعه قوانین و مقررات اجرای احکام مدنی-کیفری

جدول شماره ۲: بسامد فرایندها در مجموعه قوانین و مقررات تجارت

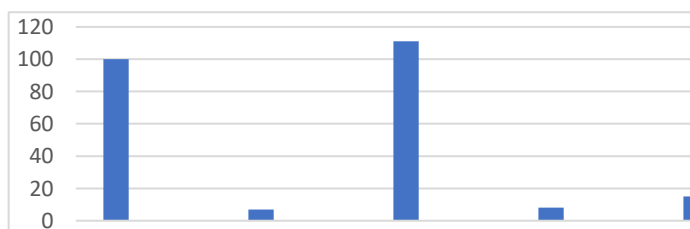
انواع فرایندها	تعداد کل: ۳۲۲	درصد
۱. فرایندهای مادی	۱۲۷	۳۹٪
۲. فرایندهای ذهنی	۱۱	۳٪
۳. فرایندهای رابطه‌ای	۱۲۸	۴۰٪
۴. فرایندهای رفتاری	۲۰	۶٪
۵. فرایندهای کلامی	۳۴	۱۱٪
۶. فرایندهای وجودی	۲	۱٪



نمودار شماره ۲: بسامد فرایندها در مجموعه قوانین و مقررات تجارت

انواع فرایندها	تعداد کل: ۲۴۴	درصد
۱. فرایندهای مادی	۱۰۰	۴۱٪
۲. فرایندهای ذهنی	۷	۳٪
۳. فرایندهای رابطه‌ای	۱۱۱	۴۵٪
۴. فرایندهای رفتاری	۸	۳٪
۵. فرایندهای کلامی	۱۵	۶٪
۶. فرایندهای وجودی	۳	۱٪

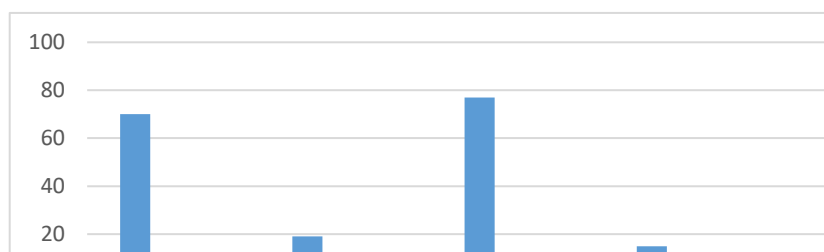
جدول شماره ۳: بسامد فرایندها در مجموعه قوانین و مقررات مطبوعات



نمودار شماره ۳: بسامد فرایندها در مجموعه قوانین و مقررات مطبوعات

انواع فرایندها	تعداد کل: ۱۹۰	درصد
۱. فرایندهای مادی	۷۰	۳۷٪
۲. فرایندهای ذهنی	۱۹	۱۰٪
۳. فرایندهای رابطه‌ای	۷۷	۴۱٪
۴. فرایندهای رفتاری	۱۵	۸٪
۵. فرایندهای کلامی	۸	۴٪
۶. فرایندهای وجودی	۱	۱٪

جدول شماره ۴: بسامد فرایندها در مجموعه قوانین و مقررات کودکان و نوجوانان



نمودار شماره ۴: بسامد فرایندها در مجموعه قوانین و مقررات کودکان و نوجوانان

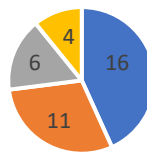
تحلیل آماری متون قوانین و مقررات حقوقی بر اساس رویکرد هلییدی به فرایندها حاکی از این است که بیشترین بسامد افعال در هر ۴ قانون از نوع افعال مادی و رابطه‌ای است. به نظر می‌رسد متون حقوقی از آنجاکه از حساسیت بالایی برخوردارند بایستی به صورت ملموس و عینی بیان شوند. برای بیان ملموس و عینی مفاهیم بایستی از افعال مادی استفاده کرد. استفاده از افعال مادی روشی در افعال‌سازی قوی مخاطب به شکلی غیرمستقیم است. افعال مادی بر اعمال فیزیکی یا انجام دادن کار یا رخداد حادثه‌ای دلالت و میان آن‌ها و واقعیت تطابق وجود دارد (هلییدی، ۲۰۱۴: ۲۵۵). در حقیقت این افعال با بیان مفاهیم کنشی و عینی در ملموس سازی مفاهیم مؤثر واقع می‌شوند. فرایندهای مادی سبب شده‌اند موضوعات ملموس و واقعی بیان شوند و نشان از ساختگی و اعتباری نبودن آن‌هاست؛ بلکه اموری عینی، واقعی و ملموس هستند که ریشه در واقعیات دارند. این امر سبب اقبال مخاطب در واقعی بودن موضوع می‌شود. فرایندهای رابطه‌ای که از بسامد کم‌وبیش مساوی در این متون برخوردارند، پیوندی میان تجربه و فضای ذهنی ایجاد می‌کنند. این امر حکایت از گره زدن موضوعات و مفاهیم ذهنی به مفاهیم مادی و ملموس است. در حقیقت، پیوندی میان مفاهیم ذهنی و تجربیات ملموس برقرار شده است، همچنین بسامد بالای افعال مادی حکایت از ملموس‌تر و عینی‌تر شدن مفاهیم حقوقی دارد.

همان‌طور که داده‌ها نشان می‌دهد تعداد کل فرایندها در هر ۴ قانون از بیشتر به کمتر به ترتیب زیر است:

قوانین و مقررات مدنی - کیفری < قوانین و مقررات تجارت > قوانین و مقررات مطبوعات < قوانین و مقررات کودک و نوجوان.

از آنجایی که بیشترین بسامد مربوط به فرایندهای مادی و رابطه‌ای است، حاکی از قوی بودن قوانین مدنی - کیفری و تجارت و از طرف دیگر ضعیف بودن قوانین مطبوعات و کودک و نوجوان در کشور است. هر چه فرایندهای مادی و رابطه‌ای بیشتری در بیان مفاهیم بکار برود، نشان از درک صحیح و اجرای بهتر قانون مربوطه دارد. از طرف دیگر هر چه فرایندهای مادی و رابطه‌ای کمتری در بیان مفاهیم بکار برود، حاکی از ضعف قانون و در نتیجه اجرای ضعیف آن دارد؛ بنابراین این‌گونه می‌توان گفت که قوانین و مقررات مدنی - کیفری و تجارت در ایران به نسبت قوانین و مقررات مطبوعات و کودک و

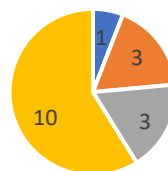
نوجوان قوی‌تر است و مطمئناً مسائل مدنی- کیفری و تجاری راحت‌تر و مطمئن‌تر قابل حل هستند. قوانین مطبوعات و کودک و نوجوان نیز از ضعف بسیاری برخوردار است و می‌توان گفت این مجموعه قوانین از ضعف تحلیلی برخوردارند و در چارچوب قانون منسجم اجرا نمی‌شوند.



نمودار شماره ۵: درصد کاربرد فرایندهای کلامی به تفکیک قوانین

نکته مهم دیگر بسامد فرایندهای کلامی در مجموعه قوانین و مقررات به همان ترتیب بالا است یعنی در قوانین کیفری- مدنی بیشترین بسامد و در قوانین کودک و نوجوان کمترین بسامد را دارد. بند دارای این فرایند به بیان چیزی اشاره دارد؛ مانند: الف) او چه گفت؟ ب) او گفت: "آنجا شلوغ است". در این بند "او" گوینده است. این نوع بندها در متون گوناگون کاربرد دارند؛ به این ترتیب که در متون روایی یا مکالمه ای از این فرایند بسیار استفاده می‌شود. علاوه بر گوینده، سه شرکت کننده دیگر در بند ایفای نقش می‌کنند: مخاطب بند، گفته و مخاطب فرایند (هلیدی و متیسن: ۲۰۱۴: ۳۰۲). حضور این چهار عامل (گوینده، مخاطب بند، گفته و مخاطب فرایند) در فرایندهای کلامی منجر به واضح شدن و غیر قابل تشکیک کردن متن می‌شود. بسامد بالای فرایندهای کلامی در قانون نشان از قدرت دفاع مخاطب دارد و هرچه این فرایندها بیشتر باشد حاکی از اجرای عادلانه قانون دارد. بر این مبنا می‌توان گفت در ایران، قوانین اجرای احکام مدنی- کیفری و تجاری عادلانه‌تر از قوانین مطبوعات و کودک و نوجوان اجرا می‌شود.

فرایند ذهنی



نمودار شماره ۶: درصد کاربرد فرایندهای ذهنی به تفکیک قوانین

همانطور که نمودار شماره ۶ نشان می‌دهد درصد کاربرد فرایند ذهنی در قوانین مرتبط با کودک و نوجوان بیشتر از سایر قوانین می‌باشد. این فرایند تجربه ما از جهان بر مبنای آگاهی مان را نشان می‌دهد و به عبارتی، به احساس و ذهنیت مربوط است؛ به این ترتیب، تحلیل و تفسیر کنشگر از قوانینی که دربرگیرنده بندهای دارای این فرایند باشد کارآمد نیست و ممکن است حتی منجر به ایجاد ابهام و خطا شود؛ زیرا ماهیتاً تفسیر انجام دادن کاری با تفسیر حس کردن چیزی متفاوت است. بنابراین، جان‌مایه قوانین مبتنی بر عمل است نه صرفاً شناخت و احساس موضوع؛ که این خود نیز حاکی از ضعف قانون مربوط به کودک و نوجوان است و اینکه حق و حقوق آن‌ها به‌درستی شناخته شده نیست. نکته مهم دیگری که از بررسی اولیه مجموعه قوانین و مقررات حقوقی مشخص شد این است که جملات پیچیده و عبارات فعلی زیادی در این متون بکار می‌رود. پیشنهاد پژوهشی نگارندگان این است که برای تعیین میزان پیچیدگی متون حقوقی تعیین تناسب افعال در مقابل عبارات فعلی باشد. فرضیه نویسندگان این است که در این متون، عبارات فعلی بیشتر از افعال بکار رفته‌اند. چراکه در هر جمله به میزان تقریبی، به ازای هر فعل، سه عبارت فعلی در جمله وجود دارد.

نتیجه‌گیری

سبک‌شناسی یکی از گرایش‌های زبان‌شناسی حقوقی است که می‌تواند به مشخصه‌های سبکی متون حقوقی از تمامی گونه‌ها بپردازد و ویژگی‌های آن‌ها را در سطوح مختلف ارائه دهد. مطالعه مشخصه‌های سبکی متون حقوقی امری لازم و ضروری است. در این راستا، نگارندگان در چارچوب رویکرد نقش‌گرایی هلیدی و متیسن (۲۰۱۴)، به بررسی فرایندهای اصلی و فرعی چهار کتاب قوانین و مقررات (تجارت، مطبوعات، کودک و نوجوان و احکام مدنی و کیفری) پرداخته‌اند که از هر کتاب ۳۰ صفحه و در مجموع ۱۲۰ صفحه به‌عنوان پیکره پژوهش در نظر گرفته شده است. تمامی افعال پیکره پژوهش با توجه به نوع فرایند موجود در آن‌ها بر اساس دیدگاه مذکور استخراج و تحلیل شده‌اند. بسامد وقوع انواع افعال در پیکره مورد نظر حاکی از این است که بیشترین بسامد افعال در هر چهار قانون از نوع افعال مادی و رابطه‌ای است. متون حقوقی از آنجا که از حساسیت بالایی برخوردارند بایستی به‌صورت ملموس و عینی بیان شوند. فرایندهای رابطه‌ای نیز پیوندی میان تجربه و فضای ذهنی ایجاد می‌کنند و این امر حکایت از گره زدن موضوعات و مفاهیم ذهنی به مفاهیم مادی و ملموس است. تعداد کل فرایندها در مجموعه قوانین و مقررات مدنی - کیفری از بالاترین بسامد و در قوانین و مقررات کودک و نوجوان از کمترین بسامد برخوردارند. از آنجایی که بیشترین بسامد فرایندها مربوط به فرایندهای مادی و رابطه‌ای است، نشان از قوی بودن قوانین مدنی - کیفری و تجارت و از طرف دیگر ضعیف بودن قوانین مطبوعات و کودک و نوجوان در کشور است. نتایج پژوهش، فرضیه پژوهش را تأیید می‌نمایند به این صورت که هر چه فرایندهای مادی و رابطه‌ای بیشتری در بیان مفاهیم بکار برود، نشان از درک صحیح و اجرای بهتر قانون مربوطه دارد. از طرف دیگر هر چه فرایندهای مادی و رابطه‌ای کمتری در بیان مفاهیم بکار برود، حاکی از ضعف قانون و در نتیجه اجرای ضعیف آن است. از آنجایی که بسامد بالای فرایندها مربوط به فرایندهای مادی و رابطه‌ای در این متون است حاکی از قوی بودن

قوانین مدنی - کیفی و تجارت و ضعیف بودن قوانین مطبوعات و کودک و نوجوان در کشور است. بسامد بالای فرایندهای کلامی در قوانین کیفی - مدنی (۱۶ درصد از کل ۳۰ صفحه) و بسامد پایین در قوانین کودک و نوجوان (۴ درصد از کل ۳۰ صفحه) نشانگر این حقیقت است که قوانین کیفی - مدنی در مقایسه با قوانین مطبوعات و همچنین کودک و نوجوان قوی و محکم تر است؛ چرا که فرایندهای کلامی در قانون نشان از قدرت دفاع مخاطب دارد و هرچه این فرایندها بیشتر باشد حاکی از اجرای عادلانه قانون دارد. بر این مبنا می توان نتیجه گرفت قوانین اجرای احکام مدنی - کیفی و تجاری عادلانه تر از قوانین مطبوعات و کودک و نوجوان اجرا می شود. نتایج تحقیق از سوی دیگر نشان می دهد که میزان کاربرد فرایندهای ذهنی و رفتاری در قوانین مرتبط با کودک و نوجوان به مراتب بیشتر از دیگر قوانین است. از آنجایی که این فرایندها به احساسات و ذهنیت مرتبط است می توان نتیجه گرفت این گونه قوانین در مقایسه با دیگر قوانین در تفسیر و اجرا ضعف دارند و ممکن است دچار خطا و تشکیک شوند.

منابع و مأخذ

- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۹۱). زبان شناسی حقوقی (نظری و کاربردی)، چاپ دوم، تهران: نشر علم.
- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۹۴). زبان شناسی کاربردی و مسائل میان رشته ای زبان (از دانش نظری به سوی شرکت های دانش بنیان)، تهران: نشر علمی.
- چراغی، زهرا و غلامحسین کریمی دوستان (۱۳۹۲). "طبقه بندی افعال زبان فارسی بر اساس ساخت رویدادی و نمودی"، پژوهش های زبانی، ۴(۲)، صص ۴۱-۶۰
- عسکری متین، سجاد و علی رحیمی (۱۳۹۲). "بازشناسی ژانر در سامانه ای حقوقی جمهوری اسلامی ایران"، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی زبان شناسی حقوقی: تحلیل گفتمان حقوقی، صص ۱۱۳-۱۲۲.
- فرازنده پور، فائزه (۱۳۹۲). "تحلیل مشخصه های سبکی متون حقوقی و ارائه اصولی به منظور گسترش زبان ساده حقوقی در ایران"، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی زبان شناسی حقوقی: تحلیل گفتمان حقوقی، صص ۱۲۳-۱۴۲.
- واعظی هنگامه، تقی پور بازرگانی داوود. (۱۴۰۱). "بررسی زبان شناختی انواع تکرار در لایحه های حقوقی فارسی"، زبان کاوی کاربردی، ۶(۱)، صص ۱۲۳-۱۴۸
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۹۰). دستور زبان فارسی (۱)، چاپ سیزدهم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).

Acknowledgements

We would like to express our thanks to reviewers for their valuable suggestions on an earlier version of this paper.

Declaration of Conflicting Interests

The author(s) declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship and/or publication of this article.

Funding

The author(s) received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

REFERENCES

- Aghagolzadeh, F. (2012). *Linguistics of Law (Theoretical and Applied)*, 2th edition, Tehran: Nashr-e Elm. [In Persian]
- Aghagolzadeh, F. (2015). *Applied Linguistics and Interdisciplinary Issues of Language (From Theoretical Knowledge Towards Knowledge-Based Companies)*. Tehran: Nashr-e Elmi. [In Persian]
- Asgari Mattin, S., & Rahimi, A. (2013). "Genre Recognition in the Legal System of the Islamic Republic of Iran." *In Proceedings of the First National Conference on Legal Linguistics: Legal Discourse Analysis*, pp. 113–122. [In Persian]
- Cheraghi, Z., & Karimi Doostan, G. H. (2013). "Classification of Persian Verbs Based on Event Structure and Aspect." *Linguistic Research*, 4(2), pp. 41–60. [In Persian]
- Farazandehpour, F. (2013). "Stylistic Feature Analysis of Legal Texts and Proposing Principles for Expanding Plain Legal Language in Iran." *In Proceedings of the First National Conference on Legal Linguistics: Legal Discourse Analysis*, pp. 123–142. [In Persian]
- Givon, T. (2001). *Syntax, an introduction*. Volume 1. John Benjamins Publishing Company. [In English]
- Halliday, M.A.K. & Christian M.I.M. Matthiessen (2014). *An Introduction to Functional Grammar*, 4th edition. New York: Routledge. [In English]
- Hopper, P. J. and Thompson S. A. (1980). "Transitivity in Grammar and Discourse." *Language*, 56(2), pp. 251-299. [In English]
- Vaezi H, Taghipour Bazargani D. (2023). "A Linguistic Study of Types of Repetition in Persian Legal Bills [In Persian]". *JSAL*. 6(1), pp.123-148. DOI:[10.52547/jsal.6.1.128](https://doi.org/10.52547/jsal.6.1.128)
- Vahidiyan Kamyar, T. (2011). *Persian Grammar* (1), 13th edition, Tehran: SAMT Publication. [In Persian]